

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و برزنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

قاسم باز

۲۵ جولای ۲۰۲۰

## یک تعداد می فرمایند که قاسم باز سخت می نویسد!؟

جنابان! من سخت نمی نویسم، بلکه می خواهم دروغگویان را رسوا کنم!

جناب محترم دکتر صاحب عزیز شمس! تشکر از نوشته عالی و پر محتوای تان.

دفاعیه من و یک تعداد بزرگان دیگر این وب سایت پر بیننده از مرحوم داوودخان، شکل وکلای مدافع نداشته بلکه ما می خواهیم به خاطر ادعاهای دروغین و افتراآت بعضی عقده نئ ها آنهم به خاطر روشن ساختن بعضی زاویه های تاریک و مبهم تاریخ معاصر افغانستان را با اسناد و شواهد دست داشته خود روشن نموده، خدمت خوانندگان وب سایت افغان – جرمن آنلاین، فیسبوک و توئیتر و بقیه سایتها همراه هموطنان خود شریک سازیم.

ثانیاً: خدمت شما محترم و بزرگوار باید به عرض برسانم، نظر به فرموده شما هم داوودخان و هم میوندوال هر دوی شان بزرگواران کشور اند، که امروز مردم بالای کارنامه های آنها قضاوت می کند.

**قضاوت دو نوع است، یکی قضاوت با اسناد و شواهد است و دیگری قضاوت خیالی و تصویری است، قضاوت خیالی و تصویری از ذهن افراد منشاء می گیرد که یک شخص از فکر و دماغ خود می تراشد.. آنهایی که در قتل؟ و خود کشی میوندوال حدس و گمان دارند و تصور می کنند که مرگ میوندوال در تبتانی مرحوم داوودخان انجام یافته به این معنی که داوودخان از میوندوال خطر بالفعل و بالقوه احساس می کرد و داوودخان شاید به همین خاطر وی را به نام کودتا زندانی و بعد از بین برد یک ادعای طفلانه، بی باکانه و غیر اخلاقی است. من به خاطر رد این ادعای خیالی، تصویری و بی معنا یک تعداد طرفداران مرحوم میوندوال، لینک ذیل را غرض روشنی بهتر این موضوع پیچیده و مبهم خدمت هموطنان به کمال احترام تقدیم میدارم.**

**اینک کست صوتی اعترافات متهمین کودتاچیان کودتای محمد هاشم میوندوال سابق صدراعظم و رئیس حزب مساوات.**

<https://soundcloud.com/qasim-baz/ihpvoxb3youm>

میوندوال در زمان وقوع تحول ۲۶ سرطان نه حزب مقتدر و قوی داشت و نه هم چندان محبوبیت فوق العاده در بین عوام الناس مردم افغانستان، که داوودخان از وی هراس داشته باشد. داوودخان شاید از شهید نوراحمد اعتمادی، شهید موسی شفیق، مرحوم داکتر محمد یوسف خان، مرحوم جنرال عبدالولی در آنوقت هراس داشته بوده باشد ولی به هیچ صورت از میوندوال نداشت. به خاطری که میوندوال دوست روزگار بد خانه نشینی محمد داوودخان بود.

من شخصاً به مرحوم میوندوال کدام مشکل شخص، فامیلی، عقیدتی، پل و پلوان شریکی ندارم. مشکل من با یک عده طرفداران و دوستان، دروغگو و بی خبر آن مرحوم است که سنگ طرفداری میوندوال را به سینه می زنند و با نوشته

های دروغین و دور از حقیقت مرگ میوندوال را به داوودخان می چسبانند . داوودخان اگر دیکتاتور می بود و دشمنان خود را قلع و قم می کرد، وی در قدم اول باید داکتر محمد یوسف خان را می کشت، به خاطری که داکتر محمد یوسف خان و دیگر اعضای کابینه وقت صدارت وی اشخاصی بودند که همراه داوودخان بالای تغییر نظام سلطنتی از مطلقه به مشروطه و تغییر قانون اساسی به یک تفاهم رسیده یک دست بودند ، ولی همان دوستان و یا واضح بگویم که آن وزیران دوره صدارت داوودخان در اخیر کار آنها به خاطر چوکی و مقام از هدف اصلی خود منصرف و با اضافه نمودن ماده ۲۴ مزحرف ۲۴ به خاطر حفظ مقام و چوکی از دوستی، رفاقت، قول و وعده خود به مرحوم داوودخان منحرف شدند و در سنگر جبهه مخالف داوودخان قرار گرفتند، اگر داوودخان می کشت باید جنرال عبدالولی را می کشت. که در آینده برایش کدام مشکل ایجاد نکند. اگر داوودخان می کشت میر محمد صدیق فرهنگ و سید قاسم رشتیا را می کشت آنها اشخاصی بودند که به اضافه نمودن ماده ۲۴ مزحرف ۲۴ قانون اساسی که منجر به سلب حقوق سیاسی و مدنی داوودخان از روز تصویب قانون اساسی سلطنت مشروطه ؟ الی تاریخ ۲۷ سرطان ۱۳۵۲ زیر پا کردند، شده بود؛ داوودخان اگر می کشت در قدم اول محمد موسی شفیق را باید می کشت، به خاطری که محمد موسی شفیق اولین صدراعظمی بود که همراه نهضت جوانان مسلمان ارتباطات تنگاتنگ داشت، همچنان آقای شهید شفیق یگانده صدراعظمی بود که می خواست از روسها دوری و متمایل به غرب بود. به هر صورت. این که میوندوال در محبس دهمزنگ توسط نیکتائی خود را آویزان کرده یا توسط لت و کوب؟ کشته شده هیچ کس تا این حال نمی داند. که حقیقت موضوع چیست. امروز یک عده طرفداران میوندوال ادعا دارند و گاهی هم می فرمایند که قاتل؟ میوندوال ، صمد ازهر ، گاهی عبدالقدیر نورستانی ، گاهی فلانی صاحب منصب و گاهی فلانی ؟ شخص است قابل سؤال است؟ هیچ کس به شمول برادرزاده خانم مرحوم میوندوال، آقای داوود ملکیار که امروز به حیث وارث اصلی میوندوال بیرق وی را بلند نموده تا این دم نمی داند که علت مرگ میوندوال لت و کوب؟ بود یا خودکشی! چنانچه جناب آقای داوود ملکیار در وب سایت افغان جرمن به آن اشاره نموده می فرماید. (( « باید علاوه کنم که با وجود این تلاش ها ، تمام این قضیه هنوز هم صد در صد برایم روشن نشده است.» ))

راست گفته اند که دروغگو حافظه ندارد . !

گله من از یک تعداد طرفداران میوندوال این است آنهایی که تا حال به شکل درست و حقیقی نمی دانند که میوندوال خودکشی نموده یا توسط کدام شخص به تقل ؟ رسیده چرا حکم قاطع صادر می کند. اصلاً در محبس دهمزنگ از متهمین قضیه کودتای میوندوال یک ورق سؤال و جواب صورت نگرفته تحقیق از متهمین در وزارت داخله صورت می گرفت. آنها بعد از تحقیق دوباره به محبس دهمزنگ انتقال می یافت. شهید داوودخان در جریان تحقیق از متهمین دوبار به غوث الدین فایق وظیفه داده تا به وزارت داخله رفته شخصاً از میوندوال و چند متهم دیگر از رویه و برخورد مستنطقین تحقیق با متهمین باخبر شود، هر دو باری که غوث الدین فایق به وزارت داخله رفته میوندوال از رویه مستنطقین و هیأت تحقیق رضایت نشان داده.

**(مراجعه شود به کتاب غوث الدین فایق ، رازی را که نمی خواستم افشاء کنم افشاء کردم) ولی باکمال تأسف نه، بلکه باکمال خوشبختی داوود ملکیار رفتن غوث الدین فایق را به وزارت داخله به شکل نادرست و افتراء آمیز که گویا غوث الدین فایق نیز به وزارت داخله رفته متهمین را لت و کوب می نمود، بازتاب داده است. داوود ملکیار به این گونه نوشته های بی اساس و بی مفهوم واقعاً حیثیت خود و میوندوال را در بین مردم جریحه دار ساخته و به الزامیت میوندوال جامعه عمل می پوشاند.**

همچنان از خوانندگان این وب سایت می خواهم لطفاً لینک ذیل را که مصاحبه محترم پاچاگل وفادار وزیر سرحدات زمان جمهوریت است با کمال دقت در مورد جریان تحقیق میوندوال بشنود.

<https://www.youtube.com/watch?v=Nz1xtovRk4Q>

پس نظر به شواهد عینی و دست داشته خود به جرأت می نویسم که در جریان تحقیق میوندوال هیچ وقت آن مرحوم به شمول ، عبدالرزاق خان، مرستیال صاحب خان محمدخان ، دگروال ماما زرغونشاه خان و پدر داوود ملکیار جنرال سلام خان ملکیار کاکای وی جنرال عبدالجبارخان ملکیار، جنرال نیک محمد خان سهاک، جنرال ناصری و یک عده دیگر هیچ وقت مورد لت و کوب هیأت تحقیق قرار ننگرفته البته دو سه نفر صاحبمنصبان پائین رتبه آن کودتا در اول تحقیق شاید لت و کوب شده باشد ولی تمام آنها نی. این یک ادعای خیالی و تصویری یک عده خیال بافان مانند ملکیار است ، وی در سابق نیز اینگونه ادعاهای غیر مسؤولانه نموده و تا حال می نماید. از قبیل کشیدن ناخن میوندوال در وقت تحقیق که مستنطقین از دست وی کشیده و ... ولی وقتی که از خانم میوندوال در یک مصاحبه پرسیده شد آن خانم محترم چنین اظهار داشت. « وقتی که دستهای میوندوال را دیدم مانند سابق نرم و تمام ناخونهای دست شان سالم بود.» آقای داوود ملکیار ادعا کرده که وی در مورد قتل؟ میوندوال کتابی نوشته ، من به جناب آقای ملکیار می گویم که جناب آقای داوود ملکیار کتاب نوشتن کار مشکل نیست. **مشکل حقیقت است که در کتاب گنجائیده شود .**

این درست است که وطن و زادگاه میوندوال افغانستان بود و است **ولی آمدن میوندوال در آنوقت حساس تحول ۲۶ سرطان از امریکا به کشورهای اروپائی به خصوص رفتن وی نزد دشمن سرسخت دیرینه اش مانند صدیق فرهنگ به بلگراد که وی یکی از دشمنان قسم خورده مرحوم داوودخان بود، و بعد از بلگراد رفتن وی به بغداد مرکز کشور عراق نزد دشمن دیگر داوودخان و شخص خودش در وقت دهه دیموکراسی یعنی خلیل الله خلیلی که خوشبختانه وی در بغداد نبود و میوندوال سه روز و شب را در خانه وی سپری نموده بود، سؤال برانگیز نیست؟ عقل سلیم و سالم حکم می کند که با آن عجله آمدن میوندوال به کابل و در راه ، توقف های بیجای وی همراه دشمنان محمد داوودخان و دشمنان شخصی وی در دوره دهه دیموکراسی چی معنی خواهد داشت؟**

در کشور چیلی وقتی که به ضد منافع امریکا سالوادور آلنده به قدرت رسید ، حکومت امریکا به عجله توسط سی ای ای دست به کار می شود و با کودتا می خواهد، آلنده را به زیر کشد، سازمان استخباراتی امریکا بعد از ناکامی کودتای اول در کشور چیلی چندین کودتای دیگر را یکی پشت دیگری در آن کشور سازماندهی می کند تا این که بالاخره دولت امریکا کودتا را به پیروزی می رساند که زعمای آن کودتا منافع امریکا را در ان کشور تأمین نمود.

امریکائی ها بعد از تحول ۲۶ سرطان در آن زمان می خواست عین سناریوی کشور چیلی را در افغانستان به معرض اجراء بگذارد که خوشبختانه هر پلان و توطئه شان در همان زمان از طرف دولت آنوقت کشف و خنثا گردیده ، یک تعداد اعضاء و عاملین آن کودتاها دستگیر و عده ای شان فرار را به قرار ترجیح دادند. بعد از ناکامی کودتای میوندوال در افغانستان امریکائیا باهمدستی کشور پاکستان که دوست و هم پیمان امریکا بود به نام کودتا اخوانیان را یکی پشت دیگر به ضد حکومت داوودخان به راه انداخت که خوشبختانه آن کودتا یکی پشت دیگر افشاء و خنثا گردیدند. وقتی که کودتای میوندوال در افغانستان کشف و میوندوال خودکشی یا قتل؟ شد، در آنوقت در شهر نیویارک یک مجلس از طرف امریکائیا برگزار شد که در آن مجلس چند نفر محصل افغان آنوقت نیز اشتراک نموده بود، امریکائیا و اصحاً در ان مجلس گفته بودند که ما به هر قسم که شود انتقام میوندوال را از حکومت افغانستان می گیریم این موضوع را جناب واحد کریم که در آنوقت در امریکا سفیر بود به مرحوم داوودخان گفته بود ، مرحوم داوودخان به واحد کریم گفته بود که در این حالت ما نمی توانیم در چند جبهه بجنگیم یکی از آن جمله محصلین در همین امریکا زنده

و سلامت است وی هم شخصاً این موضوع را به مرحوم داوودخان گفته بود. به اصطلاح ایرانیان یک عده ... شیر می گوید.

گله من از داکتر صاحب شمس در اینست، ای کاش داکتر صاحب در نوشته خود چنانچه در دو جا نقل های قول طرفداران میوندوال یکی به نام میرویس میوندوال و دومی آقای نجم اریا و محمد طاهر اسلم یار را در نوشته پرمحتوای خود جای نمی دادند وی با ذکر این دو، سه مأخذ جانب دار و دو نقل قول مخالفین مرحوم محمد داوودخان نوشته خود را کم رنگ ساخت. اگر وی این کار را نمی کرد در آنوقت ما و خوانندگان بخوبی می دانستیم که واقعاً نوشته داکتر صاحب شمس واقعینانه و بی طرفانه است. ولی بدبختانه جناب داکتر صاحب شمس نقل قول محمد طاهر اسلمیار را که می نویسد، مرحوم میوندوال نیکتائی نداشته، دور از حقیقت و خلاف واقعیت است، به این معنی هیچ شخص دانا، با وجدان و با ضمیر قبول نمی کند که مرحوم میوندوال به دیدن رئیس جمهور کشور آن هم محمد داوودخان در وقت رسمی به داخل قصر گلخانه دفتر ریاست جمهوری بدون دریشی شیک و نیکتائی رفته باشد، میوندوال شخص شیک پوش و با سلیقه بود وی نورمهای دیپلوماتیک را از ۹۹،۹۹ در صد مردم افغانستان خوبتر می داست. نبی عظیمی شخصی که وی را از منزل شان تا ارگ و بعداً به محبس همراهی نموده در کتاب خود می نویسد: "وقتی که من به جناب میوندوال ابلاغ نمودم که شما را داوودخان به ارگ خواسته میوندوال از من وقت خواسته تا دریشی خود را بپوشد، وی برای من یک گیلان جوس تعارف نمود، بعد از لباس پوشیدن در موتر همراه من نبی عظیمی یکجا نشسته از خانه برآمده"، در اینجا نوشته محمد طاهر اسلمیار جز جفنگ چیزی دیگری نیست. امروز شهید داوودخان و مرحوم میوندوال در بین ما وجود ندارند. که به یکدیگر خود گله و گذاری کنند. من به هردوی شان دعا می کنیم که هر دوی شان را خداوند بزرگ بیامزد. امین.

جناب داکتر صاحب شمس در نوشته خود به نقل قول جناب آقای نجم اریا که وی نیز یکی از طرفداران سر سخت میوندوال و در ضمن معاون حزب مساوات در وقت صدارت مرحوم میوندوال یکی از مأمورین عالیرتبه آنوقت بود وی نه جسد میوندوال را دیده نه در آنوقت داخل محبس دهمزنگ گردیده که از جریان خودکشی و یا قتل؟ میوندوال چشم دیدی داشته باشد وی هم مانند داوود ملکیار در نوشته خود به احتمالات و تصورات پناه برده. ای کاش جناب آقای اریا به خاطر دست یابی به حقیقت قضیه میوندوال از خواهر محترم شان جمیله پلوشه عضو کمیته مرکزی حزب پرچم و همچنان از شوهر جمیله پلوشه آقای کاویانی که وی نیز عضو کمیته مرکزی حزب پرچم و یکی از پر قدرت ترین افراد ان حزب بود پرسان و علت اصلی مرگ میوندوال را که از هر کس دیگر در این قتل؟ یا خودکشی معلومات دست اول دارند پرسیده به مردم نجیب و شریف افغانستان تقدیم می داشتند.

خوانندگان گرامی اجازه می خواهم تا از خیالات و تصورات خود یک فرضیه را همراه شما دوستان مطرح سازم آن این که:

نظر به اختلافاتی که مرحوم میوندوال در دهه دیموکراسی با میر محمد صدیق فرهنگ و خلیل الله خلیلی داشت، وی چرا و به کدام دلیل در راه عزیمت به کابل نزد میر محمد صدیق فرهنگ دشمن دیرینه خود به بلگراد می رود؟ در طول دهه به اصطلاح دیموکراسی بین جناب میوندوال و آقای میر محمد صدیق فرهنگ چی چیزی نبود که در اخبارهای آنوقت مبادله نشده.؟!؟؟ این مرحوم فرهنگ بود که راپور مجله رامپتاس امریکائی که درباره عضویت میوندوال در سازمان سی آی ای، افشاء شده بود در کابل افشاء کرده، بین این سه شخصیت نخبه آنوقت کشور بسیار جر و بحث بالای این قضیه و دیگر موضوعات ملی کشور صورت گرفته بود، باز هم میوندوال آن مشکلات را نادیده می گیرد و به بلگراد نزد فرهنگ و عراق نزد خلیلی می رود. حتماً زیر کاسه نیم کاسه وجود دارد.

میر محمد صدیق فرهنگ در مورد نیت بد میوندوال درباره ظاهر شاه چنین می نویسد: « میوندوال از من تقاضای ملاقات خصوصی کرد و در ضمن شکایت از اوضاع کشور گفت، که منشاء تمام نابسامانیها شخص ظاهرشاه است که هیچ کس را به کار نمی گذارد. اما خوشبختانه شاه شخص کم جرأت است و می توان او را با تهدید از صحنه خارج ساخت. سپس مرا به همکاری در تطبیق این نقشه [کودتا] دعوت کرد.» ( افغانستان در پنج قرن اخیر، جلد دوم صفحه ۸۰۶ )

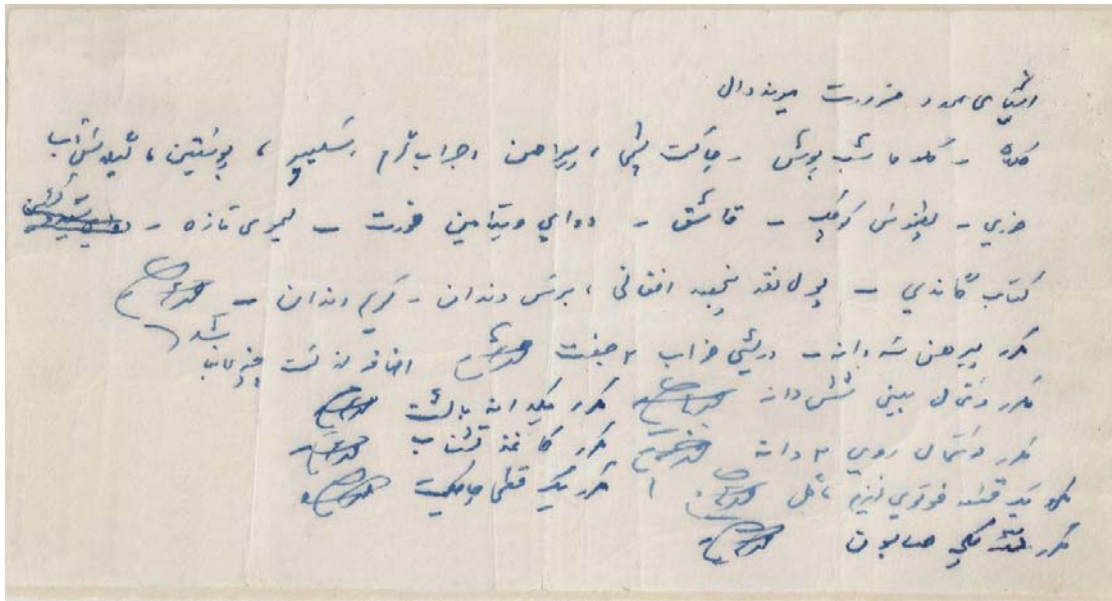
آیا می توانید بگوئید که فرهنگ این جملات را در مورد میوندوال از دل خود دروغ گفته است ؟ میوندوال می خواست اول پایه های خاندان سلطنتی ظاهر شما را از بیخ و بنیاد قطع کند بعد از سردار داوودخان را .

خوانندگان گرامی ، من همانقدر که از حفیظ الله امین نفرت دارم به همان اندازه از صمد ازهر نیز نفرت دارم ، خدا ناخواسته فکر نکنید که من به حیث وکیل قانونی صمد ازهر این دفاعیه را به خاطر طرفداری وی می نویسم. در این نوشته و هر نوشته دیگر من که به خاطر رد ادعای ملکیار چیزی را می نویسم صرف به خاطر دفاع از شهید والامقام ملت افغانستان محمد داوودخان وطندوست است که وی امروز در بین ما نیست که در مقابل دروغگویان از خود دفاع کند.

در اینجا دور از حقیقت و احتمالات نخواهد بود که بگویم شاید در درخودکشی و یا مرگ؟ میوندوال دست ، سومی دخیل نباشد، چرا، اکثر سازمانهای جاسوسی کشورهای مقتدر جهان وقتی که یک اجنت مهم شان دستگیر و افشاء می شود در قدم اول آن اجنت خود شان را خود از بین می برند که نمونه های اینگونه قتل های سری در جهان در بسیاری از کشورها صورت گرفته ، ثانیاً این هم از احتمالات دور نیست وقتی که یک اجنت افشاء و دستگیر می شود آن اجنت دستگیر شده توسط دیگر اجنتان آن سازمان از بین برده می شود. نمونه بارز اینگونه قتل های مرموز قتل میر اکبر خیبر، عضو کمیته مرکزی حزب واحد دیموکراتیک خلق و پرچم در مکرویان شهر کابل در روز روشن است که قاتل وی تا الحال معلوم و افشاء نشد... یک عده مردم قتل میر اکبر خیبر را دسیسه حفیظ الله امین می دانند، افراد دیگر قتل وی را دسیسه حزب پرچم می دانند ولی امروز اکثریت زیاد مردم چیز فهم افغانستان قتل میر اکبر خیبر را دسیسه سازمان جهنمی کی جی بی می دانند.

آنهايي که مدعی اند که میوندوال توسط لت و کوب؟ که از چند روز قبل درحالت کوما به سر می برد کشته ؟ شده، سؤال من از این آقایان اینست که چطور میوندوال در پرزه خط که به قلم و کتابت خود به فامیلش تحریر نموده ، در ضمن اشیای مورد ضرورت خود کتاب و ناول مهتما گاندی را غرض مطالعه خود از فامیل می خواهد. آیا شخصی که هر روز لت و کوب شود و سه چهار روز پیش از مرگش در حالت کوما باشد؟؟ از فامیل خود کتاب یا ناول گاندی را به خاطر مطالعه می طلبد؟؟ فامیل محترم میوندوال در ضمن تهیه اشیای مورد ضرورت کتاب وی را نیز تهیه نموده به وی می رساند که امضای تسلیمی آن به دستخط میوندوال دوباره آن پرزه به فامیل میوندوال داده شده. در آن لست اشیای مورد ضرورت من جمله یک قطی بکس چاکلیت، لیمو، ویتامین، سه جوره پیراهن دریشی، دریشی خواب و وو شامل بوده. آقای میرویس میوندوال در نوشته دروغین خود تنها از یک جوره لباس و چپرکت یادآوری می نماید در حالی که لیست اشیای مورد ضرورت مرحوم میوندوال از ده ها قلم تجاوز می کند که از طرف فامیلش تهیه گردیده تسلیم میوندوال مرحوم گردیده، وی همچنان به موضوع چپرکت اشاره نمود که هیچ وقت به میوندوال چپرکت تهیه نشده، از آن جایی که من در وقت مأموریت خود دوبار به محبس دهمزنگ از نگاه وظیفه ئی رفتیم در محبس دهمزنگ چپرکت های آهنی که در قاغوش های عسکری از آن نیز استفاده می شود وجود داشت . اینک لست اشیای مورد ضرورت

جناب مرحوم میوندوال که آقای داوود ملکیار در یک مقاله خود در یکی از پربیننده ترین وبسایت افغانستان ( وبسایت افغان - جرمن آنلاین ) به نشر سپرده. غرض وضاحت بیشتر موضوع لست آن اشیا را به نشر می سپارم.



حالا بیائیم به اصل حقیقت موضوع .

زمانی که مرحوم داوودخان از مرگ میوندوال واقف می شود پریشان حال می شود به موظفین هدایت می دهد تا میت را در طب عدلی معاینه نموده علت مرگ وی را معلوم کنید، موظفین امنیتی میت وی را طبق هدایت محمد داوودخان به طب عدلی برده توسط یک داکتر ورزیده و مجرب هندی به نام برمکننداس معاینه می شود داکتر مذکور مرگ میوندوال را خودکشی تثبیت نموده بعد از آن طب عدلی طبق دستورالعمل خود میت را شسته کفن نموده دوباره به موظفین امنیتی سپرده موظفین امنیتی نظر به هدایت مرحوم داوودخان میت میوندوال را به ولایت کابل یا وزارت داخله برده و به فامیل میوندوال اجازه داده شده تا میت را ببیند، این که خانم محترم میوندوال می فرماید که لباس میوندوال پاره پاره بود و دستهایش گرم بود معلوم می شد که همان لحظه یا چند دقیقه پیش مرده بود ، دور از حقیقت است. به خاطری که اطلاع دادن مرگ میوندوال به داوودخان و بعد هدایت داوودخان به مسئولین آن وقت، باز بردن میوندوال به طب عدلی و معاینات وی در آن مرکز بعداً شستن و کفن نمودن میت ، وبعد آوردن آن میت به ولایت کابل یا هر جای دیگر بعد خواستن فامیل میوندوال به خاطر دیدن میت مرحوم میوندوال زمان زیادی را کار دارد نه یک ساعت و یا چند دقیقه.

در زبان پشتو یک ضرب المثل است که میگوید، (دروغ وایه په شرعه بی روغ وایه. )

من هم به خاطر الزامیت حزب دیموکراتیک خلق به مردم دروغ گفته می توانم که بگویم . وقتی که آنها پدر و سه برادر من را شهید می ساختند آنها اول در محبس پلچرخی آنها را لت و کوب نمودند لباس های شان را پاره پاره کردند باز به شهادت رساندند، اطمینان دارم که این گونه اظهارات دروغین من را در قدم اول دوستان نزدیکم و بعد هزاران هزار افغان قبول خواهند نمود. ولی در حقیقت آنطور که من می گویم نیست، به دروغ گفتن چیزی از جیب مردم کم نمی شود یک پوف است که این و آن به خاطر تبرئه کردن این و آن از خود می سازد. امروز در فیسبوک یک کلیپ ویدیویی مصاحبه شهناز تتی را با خانم فاطمه گیلانی و مرحوم حسن ولسمل دیدم در آن مصاحبه جنرال شهناز تتی با چی دیده درائی و بی حیائی از اعمال ننگین خود درفشانی می نمود. فاعتبرو یا اولی الابصار.

آخر کلام.

از نوشته محمد ظاهر اسلمیار بوضاحت معلوم می شود که وی یکی از سرسخت ترین منتقدین سلطنت یعنی اعلیحضرت محمد ظاهر شاه و شهید سردار محمد داوودخان است. وی با چه بی شرمی می نویسد که ظاهر شاه در وقت رفتن به ایتالیا بکس ها را از اشیای قیمتی پر کرد با مشوره به داوودخان به ایتالیا رفت و صدها دروغ دیگر...یک مثل است که می گوید (مشت نمونه خروار است)

ولی این عقده ئی و بی مسؤولیت اسلمیار نمی داند وقتی که یک شاه و یا هم یک رئیس جمهور یک کشور آنهم برای وقت نا معلوم به یک جا و جاها می رود باید نظر به موقفی که وی در جهان دارد اشیای مورد ضرورت خود را همراه خود ببرد آن اشیا چی پنج بکس باشد چی ده و چی بیست. شاه عربستان سعودی، ملکه انگلیس، دونالدترمپ، دیگر شاهان جهان و رئیسان مشهور به طیاره ها لباس و اشیای مورد ضرورت همراه خود می برند. لذا این گونه نقل های قول دروغین و عقده ئی هیچ وقت نمی تواند حقیقت را برای ابد پنهان سازد. خاک خشک هیچ وقت به دیوار نمو چسپد .  
والسلام

۲۱/۷/۲۰۲۰